

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماه صفر سال ۱۴۲۷ قمری سپری شد و بهار و نوروز آمد. انشاءالله بشارتی را که صحیح یا سقیم منسوب به حضرت رسول اکرم (ص) برای خبر یافتن از اتمام ماه صفر به مسلمانان وعده داده بودند مضمون حال ما گردد. در ماههای محرم و صفر این سال ما همه سوگوار بودیم. سوگواری از ستمی که بر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و شیعیان شد و حسینیّه حسینی در مکان و شهر اهل بیت به آتش کشیده شد و آن حضرت و شیعیانش ملاک کلی تشخیص حق از باطل در همه زمان ها و مکان ها گردیدند. خداوند ما را در این سوگواری مأجور بفرماید. در ماه های اخیر متأسفانه به سبب حوادث واقعه برای فقرای این سلسله سوالاتی از دور و نزدیک مطرح گردید که موجب شد به صورت کلی موارد ذیل را در چند بند عرض کنم؛ امیدوارم هریک از برادران و خواهران مکرم با استمداد از عقل ایمانی خویش پاسخ های خود را بیابند:

• پیامبر اسلام و انمه اطهار(ع) بنا بر دستور قرآن مجید که می فرماید *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا*، در راه پرهیز از تفرقه مسلمانان و اتحاد آنان از هیچ کوششی دریغ نکردند. علاقمندی به حفظ اتحاد بود که موجب شد علی (ع) به فرمایش خود: *فَصَبِرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدْرٌ وَفِي الْحَلْقِ شَجَاءٌ* در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشت، صبر کند و ۲۵ سال خانه نشین گردد و سکوت کند و نیز توجه به همین مهم بود که باعث اعتلاء و توسعه اسلام در قرون اولیه اسلامی گردید. اکنون که مسلمانان از جوانب گوناگون مورد تهاجم قرار گرفته اند، حصول این اتحاد بخصوص در داخل ایران بیش از هر زمان دیگر لازم و ضروری است، از این رو باید نسبت به طریقه ها و سلیقه های مختلف مذهبی موجود در داخل اسلام که امری طبیعی است به تحمل و مدارا رفتار کرد و وجهه جامع مسلمانان را که شهادتین است مورد توجه قرارداد و کوشش کرد که یک نفر نا مسلمان را مسلمان کرد نه اینکه به محض یافتن اختلاف ظاهری با فهم و سلیقه دینی خود حکم به انحراف دیگر مسلمانان داد.

• تصوف و عرفان اسلامی، حقیقت معنوی اسلام و عین تشیع است و انتساب سلاسل صوفیه به حضرت علی(ع) و استقرار تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران از جانب آنان شاهد صدق این گفتا راست، لذا به صرف وجود اخباری ضعیف در ذمّ تصوف که انتساب آنها به انمه اطهار(ع) نیز مشکوک می باشد، نمیتوان حکم کلی در ذمّ تصوف کرد. اگر این طور باشد اخباری که در ذمّ مجتهدان و علماء از انمه بزرگوار(ع) نقل شده بسیار بیشتر از اخبار در ذمّ تصوف است و بدیهی است که منظور آن بزرگواران اجتهاد و علمی است که از معدن ولایت اخذ نشده و مخالف اوصاف اجتهاد و علم حقیقی است. درمورد

تصوّف نیز به فرض صحت آن اخبار، مراد ایشان صوفیانی است که دارای اوصاف مذموم و نا مأخوذ از مقام ولایت هستند.

• تلاش مشایخ حقیقی تصوّف و عرفان در صلاح اخلاق و تهذیب نفوس و تحکیم عقاید ایمانی بر محققان تاریخ اسلام واضح و میرهن است. کشور ایران از قدیم الایام مهد تصوّف و عرفان بوده است و حضور کتاب های عرفانی مثل *مثنوی مولوی* در کنار قرآن مجید درخانه ایرانیان گواهی بر این حقیقت است و در واقع به همین واسطه اسلام از ایران تا چین و مالزی و اروپای شرقی و آفریقا گسترش یافت. لذا مسأله تصوّف و عرفان حقیقی در ایران مسأله ای دینی- ملی است و هرگونه تلاش در تضعیف آن منجر به نتایجی سوء در تضعیف دینی، اخلاقی و فرهنگی ملت ایران خواهد شد.

• احترام و تجلیل علمای شیعه که مصداق مقبوله شریفه عمر بن حنظله هستند از قدیم الایام مورد تأیید بزرگان این سلسله بوده است و همواره تأکید شده که در مسائل عملیه به هریک از ایشان که فقرا خود واجد شرایط تشخیص می دهند مراجعه کرده و تقلید نمایند. البته معظم لهم نیز بی شک در حدود تکلیفی که در آن مقبوله برعهده آنهاست، و بنا بر تصریح رساله های معظم لهم شامل اعمال است و نه اعتقادات، انجام وظیفه می کنند و تکلیف سنگین شنون مرجعیت علمی را به دور از جنجال های عامیانه در نظر دارند و مدافع حریم ایمانی اشخاص خصوصاً مقلدان خود و حفظ اتحاد همه مسلمانان و گوینده شهادت هستند. بزرگان متقدم فقهای شیعه مثل قاضی نورالله شوشتری، فیض کاشانی، مرحوم مجلسی و از میان متأخران بزرگانی مثل مرحوم میرزای شیرازی و شیخ مرتضی انصاری همواره به بزرگان تصوّف و عرفان احترام گذارده اند ولی متأسفانه از اواسط دوره صفویه سیاست حاکم درصدد ایجاد تفرقه و تشّت میان آنها برآمد، با این همه همواره بزرگان طرفین سعی بر رفع القای این تفرقه داشتند.

• برخلاف آنچه شهرت یافته است، اسلام، دین سلام و صلح است. کلمه اسلام مأخوذ از سلام است و سلام نیز از ریشه سلّم است که هم به معنای آرامش درونی و هم صلح خارجی است. از اینرو به فرموده نبی اکرم (ص) مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. در قرآن مجید درعین اینکه در مقامی می فرماید در مقابل عداوت دیگری مقابله به مثل کنید، در آیه دیگر به ترتیب دعوت به فرو خوردن خشم و سپس عفو بر دیگران و در بالاترین مرتبه دعوت به احسان می کند و از میان همه این مراتب می فرماید: *والله یحبّ المحسنین* (خداوند احسان کنندگان را دوست دارد). در تصوّف و عرفان اسلامی از همه برادران و خواهران ایمانی توقع می رود که بکوشند در مقابل خشونت ناروا به احسان رفتار کنند و در مقابل تقدیم گُلّ ضربه آجر را تحمل نمایند و جهاد اصغر را به جهاد اکبر تبدیل نمایند. همین کوشش معنوی است که در تصوّف و عرفان مهم ترین اجابت دعوت *من انصاری الی الله* بزرگان دین محسوب می شود.

• احترام به اماکن مقدّسه همه ادیان الهی از دستورات موکّد اسلام است و پیامبر اسلام (ص) در همه جنگ ها به مسلمانان در این باره توصیه اکید می فرمودند و حتی در شریعت اسلام خواندن نماز مستحبّ

در معابد یهود و نصاری دستور داده شده است . شارع مقدّس اسلام وقتی نسبت به اماکن مقدّس ادیان دیگر غیر از اسلام چنین دستور داده است، به طریق اولی در داخل اسلام حفظ حرمت این اماکن اعمّ از حرم های شریف انمه اطهار(ع) یا مساجد و حسینیه هایی که به نام بزرگان بوده و در آنها نام آن بزرگان برده می شود ، مورد تأکید بیشتری است . هرگونه قشریت و تعصب فکری به هر صورت که حمله و تخریب این قبیل اماکن شریف و ایجاد تفرقه و دشمنی میان گروه های مسلمان را تجویز می کند، برخلاف تعالیم اسلام می باشد و از جانب مسلمانان آزاداندیش مردود است. اگر خدای ناکرده تعلیم دهندگان جامعه جهل و تعصب را ترویج و تعلیم دهند تا با استفاده از آن، جهّال و متعصبان را به هوای نفس به تخریب خانه مقدّسی وادارند روزی همانها بر مربیان خویش خواهند شورید.

• حکمای بزرگ فصل ممیز انسان از دیگر حیوانات را عقل دانسته اند. عقل ایمانی یعنی عقلی که مهتدی به هدایت ایمان است، موهبتی الهی است که می تواند وظایف اجتماعی ما را در زمانه ای که پیش از همیشه حق با باطل مشتبه شده است، معین کند . همین عقل است که شرّ را از خیر تشخیص می دهد یا میان دو شرّ آن را که شرّتر است، درک می کند. پس باید این عقل را پاس داشت و در فهم مسائل و رفع جهل و نادانی که مستمسک استثمار بوسیله بیگانه است به آن مراجعه کرد.

• در مورد حق الله، خداوند که کریم و بخشنده است، فرمود: *انّ الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء* یا اینکه می فرماید: *انّ الله یغفر الذنوب جمیعاً* . اما حق الناس را خداوند به صاحب حق اعطا کرده است و لاغیر.

نکاتی که عرض شد هیچ کدام جدید و نو نیست و جزء اصول تصوّف و عرفان در دستور همه بزرگان سلف این سلسله به اقتضای زمان بیان شده و فقط از جهت تذکّر و یادآوری مجدداً اظهار گردید. امیدوارم حضرت حق تعالی شأنه ما را موفق بدارد که در سال جدید به بصیرت و دانایی پیرو تعالیم دین مبین اسلام باشیم .

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

فقیرحاج دکتر نور علی تابنده مجذوبعلیشاه

اوّل ربیع الأوّل ۱۴۲۷ قمری

مصادف با هجرت پیامبر از مکه به مدینه